

## ابوریحان بیرونی معرف فرهنگ هندیان\* به جهان

دکتر رضا مصطفوی سبزواری

دانشگاه دهلی - دهلی

ابوریحان فرزند برومند خراسان بزرگ قدیم ایران و خوارزم از شهرهای ازبکستان فعلی بنا بر قول اقدم و مشهور در سوم ذیحجه ۳۶۲ ه.ق. (= سوم سپتامبر ۹۷۳ م) در یکی از نواحی کات<sup>۱</sup> خوارزم (=خیوه) دیده به جهان گشود و شب جمعه دوّم رجب سال ۴۴۰ ه.ق. (= ۱۰۴۸ م) پس از حدود هفتاد و هفت سال عمر دیده از جهان خاکی فرویست.

ابوریحان ضمن بر شمر دن آثار محمد بن زکریای رازی فهرستی از تألیفات خود را نیز تا سال ۴۲۷ که شصت و پنجمین سال زندگی اوست فراهم آورده که تعداد آنها صد و سیزده کتاب است و موضوعاتی را از قبیل دانش‌های: طب، هیأت، حساب، حکمت، از منته و اوقات، احکام نجوم، افسانه، احادیث، تاریخ، جغرافیا، داروشناسی، مباحث فیزیکی، عقاید و باورهای ملتها، هند شناسی<sup>۲</sup> و غیره را در بر می‌گیرد؛ به استناد ارزش والای این آثار گرانقدر است که باید او را از نوابغ کم نظیر جهان و در ردیف دانشمندانی همچون ابوعلی سینا، ابونصر فارابی و ابومنصور حسن بن نوح بخاری استاد ابوعلی سینا که هم اهل آن خطّه عالم خیز و دانشمند پناه بودند، بر شمرد.

\* به مناسبت برگزاری سمینار روابط تاریخی و فرهنگی هند-ازبکستان، ۸-۶، دسامبر ۱۹۹۳، موزه ملی - دهلی؛ به همت کتابخانه عمومی خدابخش - پتنا.

۱ کات (kāi) [= کات = کت = کد = کده] شهری بزرگ از نواحی خوارزم در مغرب جیحون بود.

۲ ر.ک. رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریای الرازی ص ۲۳-۲۹.

نکته مهمی که دربارهٔ ابوریحان ذکر آن ضرورت دارد، روش تحقیق عالمانهٔ اوست تا بدان اندازه که ارزش علمی و پژوهشی آثار و تألیفات و رساله‌های او تا به امروزه تنها از میان ترفته بلکه از جملهٔ دقیق‌ترین بررسی‌های علمی در طول روزگاران گذشته و حال محسوب می‌گردد. اندیشهٔ دقیق فلسفی و استدلالی او همراه با ذهن موşkاف و روحیهٔ علمی این دانشی مرد سبب گردیده تا همواره به دنبال کشف حقایق پیروند که مانند اصول ریاضی غیر قابل انکار و دور از شک و پندار باشد؛ همین ژرفنگری‌اش در مسائل علمی بود که او را واداشت تا در پژوهش مسائل مبهم و درخور تحقیق به مطالعهٔ روش ارسطو و دیگر حکمای یونان و پیروان آنها بسنده نکند و پیرو نقل محض و دنباله‌روی دیگران نگردد و شخصاً به تحلیل و تحقیق مسائل بپردازد و هم به اندیشه‌ها و افکار علمی دیگر ملل جهان نیز بپردازد و از همین رهگذر بود که به هند به عنوان یکی از مراکز فلسفه و دین و عرفان و اندیشه‌های اصیل و نو هندویی توجه دقیق مبذول داشت. ابوریحان آثار محمد بن زکریای رازی و مطالعات او را در کتب مانی و عقاید آنان بدقت خواند ولی پس از ژرفنگری در کتب مانی از باورهای پیشتر خود در آن باره عدول کرد؛ ابوریحان می‌گوید: "من کتاب محمد بن زکریای رازی را در علم الهی خوانده‌ام و او در آن تحت تأثیر کتب مانی و خاصه کتاب او موسوم به "سفرالاسرار" است.

ابن الندیم تعداد کتب مانی را هفت کتاب و رساله‌های مانویه راهفتاد و پنج رساله ذکر کرده است<sup>۴</sup> که در قرون چهارم و پنجم شهرت داشته. جالب توجه اینکه ابوریحان بیرونی بنا بر نقل خود آنها را مطالعه کرده و بعضی از آنها و از جمله کتابهای: فرقاطیاء، سفرالجبابره، کنز الاحیاء، صبح الیقین، التأسیس، الانجیل، شاپورگان و سفرالاسرار را

۳ مأخذ پیشین/۳.

۴ الفهرست ۷۱-۴۷۰.

خواننده و هم در تملک خود داشته است،<sup>۵</sup>

ذهن کنجکاو و حقیقت جوی و دور از تعصب ابوریحان سبب گردید تا علاوه بر مطالعه عقاید مانویان به دیگر فرقه‌ها مانند یهود، نصارا، هندوان و صابئین نیز توجه کند و علاوه بر بررسی آثارشان با دانشمندان هر فرقه نیز به گفتگو و مباحثه بنشیند و حتی با دانشمندانی همچون بو علی به سؤال و جواب بپردازد و سؤال‌ها و پرسش‌ها و ایرادهای دقیقی را با او مطرح کند<sup>۶</sup> و ایرادهایش را بر ارسطو، برای ابو علی بفرستد،<sup>۷</sup> مطالعه این پرسش و پاسخ‌ها و ایرادها و دیگر اطلاعات ارزنده و گران‌بهایی که در آثار ابوریحان گرد آمده همه نهایت عمق دانش او و تبخّرش را در کاویدن پدیده‌های علمی و روش عالمانه و سستند او را در تحقیق، به اثبات می‌رساند و می‌نمایاند که داشتن ذهن پژوهشگرانه او مانع از آن می‌گردید تا پیش از تحقیق هر مسئله علمی در برابر دانشمندان و فلاسفه قدیم یا هم عصر خود تسلیم محض گردد.

همین ذهن پویا و روحیه فضیلت جوی ابوریحان سبب می‌گردد تا به عقاید فلسفی هندوان و دیگر معارف هندی نیز توجه بسیار دقیق مبذول دارد. تعداد آثار ابوریحان را دربارهٔ هندشناسی از رساله و کتاب بر روی هم "بیست و چند" پژوهشنامه ذکر کرده‌اند که از آن می‌ان کابهای زیر در "رسالهٔ فهرست" او که خود آن را تدوین کرده آمده‌است و ظاهراً بجز تحقیق ماللهند، راشیکا و پاتنجل از میان رفته‌است.

۱- کیفیت رسوم هند در تعلیم حساب.

۲- رساله‌یی در راشیکات که اخیراً در حیدرآباد طبع شده.

۳- ترجمه براهم سدهاند در طرق حساب.

۴- رساله در تحصیل آن از زمان، نزد هند.

۵ رسالهٔ للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریاء الرازی، چاپ پاریس، ۱۹۳۶، ص ۳-۴.

۶ برای آگاهی از این پرسش و پاسخها مراجعه شود به لغت نامه دهخدا ذیل ابوریحان به نقل از نامه دانشوران و به ترجمهٔ مرحوم حاج میرزا ابوالفضل ساوخی حکیم. نیز رسالهٔ للبیرونی.

۷ رک: مأخذ مربوط به پاورق شمارهٔ ۵.

- ۵- جوابات مسائلی وارده از منجمان هند.
  - ۶- جوابات مسائل ده گانه علمای کشمیر.
  - ۷- مقاله در طریق هند در استخراج عمر.
  - ۸- ترجمه کتاب موالید صغیر از براهمهر.
  - ۹- ترجمه کلب یاره و آن مقاله ایست از هندیها در امراض.
  - ۱۰- مقاله در باسدیو راجع بآمدن اخیرش.
  - ۱۱- ترجمه کتاب پانتجل در خلاص از بدن.
  - ۱۲- ترجمه کتاب سانک بنا بگفته بیرونی در کتاب ماللهند.
  - ۱۳- کتاب ماللهند که مهمترین کتب بیرونی راجع بفرهنگ هندوستانست.
  - ۱۴- جوامع الموجود لخواطرالهنود راجع بسند هند.
  - ۱۵- تهذیب زیج ار کند چون ترجمه آن نا مفهوم بوده نیاز بتهذیب داشته.
  - ۱۶- خیال الکسوفین راجع بمدارین متحدین که باظهار بیرونی هیچ زیجی از زیجات هند خالی از این معنی نیست و در ممالک اسلامی کسی آنرا نمیدانسته.
  - ۱۷- تذکره‌یی در حساب یا ارقام هندی.
  - ۱۸- "شامل" درباره موجودات محسوس و معقول.
- البته خدمات ابوریحان به هندیان منحصر به معرفی فرهنگ آنها در جهان نیست. او در دوران اقامتش در هند، هندیان را نیز از فرهنگ یونانیان آگاه می‌کند و بنا به گفته خود هندسه اقلیدس، اسطرلاب و مجسطی را به زبان سانسکریت برمی‌گرداند و نیز زیجی به زبان سنسکریت برای یکی از بزرگان کشمیر به نام سیابل تألیف می‌کند. از دیگر خدمات او به هندیان نقل کتابهای آنها، در تألیفات ابوریحان است که اگر او آنها را جزو گنجینه دانش‌های هندی ثبت نمی‌کرد، امروز هیچ نام و نشانی از آنها نبود.
- با توجه به اینکه بسیاری از رساله‌های موجود او مستقیم و یا غیرمستقیم به زبان‌های مختلف جهان ترجمه گردیده، باید گفت ابوریحان بیشترین سهم را در معرفی دانش‌ها و

باورها و آداب و رسوم و فرهنگ هندوستان در جهان داشته است و باید به این واقعیت اعتراف کرد که ابوریحان کاشف دانشها و آداب و رسوم و فرهنگ هند است و نیز شناساننده آنها به جهان زیرا در پهنه دانشها و فرهنگ قدیم هند کمتر کسی را سراغ داریم که چنین اثر جامع و مهمی را درباره معارف هند قدیم تألیف کرده باشد.

ابوریحان در مورد انگیزه‌های تألیف ماللهند و اصولاً ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها متعهد است که اگر چه "خبر چون معاینه نیست" اما چون بیننده جاوید نخواهد ماند پس بهترین خبر برای آیندگان به نگارش در آوردن دیده‌هاست و می‌گوید: "کتابت نوعی است از آن خبر که گویی برتر است بر دیگر انواع. اگر نمی‌بود آثاری که به همت قلم جاودانگی یافته‌اند، مارا چه دانایی‌ای بود بر احوال امم پیشین؟"

ابوریحان هر خبر را در معرض صدق و کذب می‌داند و البته نقل مطالب نادرست را از دیگرگونی همت‌های شمارد و ستیزه جویی غالب بر مردمان. او خود را در نقل دیده‌ها و شنیده‌ها متعهد می‌داند و نقل مطالب نادرست را از سوی در و عزنان نکوهیده می‌شمرد و در تجزیه و تحلیل این رویه ناپسند می‌گوید: "دروغی را می‌بینی که برای بزرگ نمایی خویش، جنس خود را بزرگ می‌نمایاند، از آتروی که خود از آن جنس است یابدان نیت بر جنس خلاف عیب می‌آورد، دستیابی بر مراد خویش را، و دانسته‌است که این هر دو از دواعی شهوت‌اند و نکوهیده و دیگری را می‌بینی که سپاس بر قومی را که دوستدار آنان است یا انکار بر طایفه‌ای را که با آنان خصمی می‌ورزد "سخنی می‌گوید به دروغ" و او نیز چنان است که اولی. از آنرو که باعث بر فعل وی نیز از دواعی محبت است یا چیرگی غضب".<sup>۸</sup>

بیرونی حتی در این مورد که باید در نقل اخبار به درستی عمل کرد و واقعیت‌ها را نوشت چنین به دیگران پند می‌دهد که: "آنکه از دروغ پرهیزد و در دامن راستی آویزد،

۸ تحقیق ماللهند ترجمه منوچر صدوفی سها، ج ۱، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ص ۱.

۹ مأخذ پیشین/ ۲-۱.

هم به نزد در و غزن محمود باشد و ستوده تا چه باشد به نزد غیر او که گفته‌اند: "قولوا الحق و لو علی أنفسکم"<sup>۱۰</sup> و مسیح را که سلام بر او باد، سخنی است به انجیل که این است معنای آن: "در روشن گردانی حق به نزد ملوک، مقهور صولت آنان نگردید که جز بر تن شما مالک نیستند و دستی بر نفس ندارند"<sup>۱۱</sup> ابوریحان در تألیف کتاب ماللهند چنانچه شیوه اهل تحقیق است، هیچ تعصبی را در نقل مطالب روا نمی‌دارد و آنچه دیده یا شنیده عیناً باز می‌گوید و مطالب خود را بآبی نظری محض و دور از یک سو بینی‌ها و کوتاه نظری‌ها می‌نگارد، خواه مقبول شخص او باشد یا مردول<sup>۱۲</sup> و نامی را نیز که بر پژوهشنامه خود می‌نهد، حکایت از همین بی‌نظری او دارد، عبارت: "تحقیق ماللهند من مقولة مقبولة فی العقل او مردولة"<sup>۱۳</sup>، بر روی کتاب می‌نمایاند که آنچه او بدانها دست یافته خواه پسندیده خود باشد یا ناپسند، او در پژوهشنامه اش درج خواهد کرد. خود در این خصوص می‌نویسد: "(استاد) مرا بر تحریر آنچه که از آنان (هندوان) می‌دانستمش تحریر فرمود که یاری ای باشد مرکسی را که هوای مناقضت آنان داشته باشد و اندوخته‌ای مرآتا که بخواهد با آنان مخالفت کند و خواسته او به فعل آوردم بی آنکه بهتانی زخم به حضم یا باکی داشته باشم از نقل کلام باطل او که شنیدن آن به نزد غیر اهل آن فطیح<sup>۱۴</sup> است، از آن رو که همی خواستم که عقاید قوم بدان‌گونه که هست باز نمایم.<sup>۱۵</sup> او بدین نیز بسنده نمی‌کند و اگر گروهی دیگر هم احتمالاً در موردی عقیده‌ای شبیه آنان دارند، می‌کاود و سپس در دنباله آن بیان می‌دارد: "و کتاب، کتاب محاجه و لجاج نیست که حجت‌های خصم بیاورم و باطل آن نقض کنم بل که کتاب حکایت است و از این رو سخن هندوان بدان‌گونه که هست ایراد کنم و آنچه که یونانیان بدان باب دارند بدان بیفزایم. مگر مقاربتی که میانه آنان است شناخته گردد. از آنرو که حکمای یونانی

۱۰ قرآن مجید: ۱۳۴/۴.

۱۱ انجیل متی: ۲۸/۱۰.

۱۲ زشت.

۱۳ مأخذ شماره ۸، ص ۴.

ابوریحان بیرونی معرفت فرهنگ هندیان به جهان نیز هر چند که تحریری حقیقت‌کرده‌اند، در مسائل مربوط به توده مردمان، از رموز نحله و نهاده‌های قانون آنان بیرون نرفته‌اند. و با کلام آنان سخن دیگران نیاوردم مگر قول صوفیه باشد یا احداث اصناف نصارا، تقارب امر را میان جمیع آن در حلول و اتحاد<sup>۱۶</sup> ابوریحان از کسانی که بعضی مطالب نا درست و نسبت‌های ناروایی را به اهل بعضی ادیان و عقاید داده. و در کتابها نیز درج کرده‌اند انتقاد می‌کند و می‌گوید: کسی که عارف به حقیقت حال نیست، چیزی از آن کتب اخذ خواهد کرد که به نزد عارف به حقیقت احوال آن ملل جز سبب شرمساری او نخواهد بود اگر اهل فضیلت باشد یا موجب اصرار و لجاج<sup>۱۷</sup> اگر اهل رذیلت باشد. و کسی که حقیقت حال را بشناسد، آخر الامر آن معانی را اسطوره خواهد انگاشت و آنرا محض تفریح خاطر و التذاذ خواهد شنید نه به قصد تصدیق و اعتقاد.<sup>۱۸</sup>

ابوریحان داورها و نوشته‌های دیگران را درباره ادیان و مذاهب هند مبهم و درهم و برهم و آمیخته به مداهنت می‌داند و می‌گوید: "در فحوای کلام سخن از ادیان و مذاهب هند رفت و گفتم که اکثر آنچه که در کتابها مسطور است مجهول است و آمیخته، درهم و آشفته و بلا تهذیب و نیافتن از اصحاب مقالات کسی را که بی‌میل به سویی یا مداهنتی قصد حکایت محض داشته باشد جز ابوالعباس ایرانشهری را..."<sup>۱۹</sup>

مطالب مندرج در کتاب تحقیق ماللهند بسیار متنوع است و در حقیقت حکم دائرةالمعارفی مشروح را دارد در هشتاد باب که مؤلف در هر یک مباحثی را بشرح باز می‌تمایاند؛ یکی از این مباحث مسائل نجوم هندی است. ابوریحان از دانشمندان نامی علم نجوم و سرآمد آنها و کتاب التفهیم لا وائل صناعة التنجیم او مشهورترین و مفصل‌ترین کتاب‌های نجوم قدیم است. ذکر اطلاعات نجومی هندیان در کتاب ماللهند

۱۴ مأخذ پیشین/۴.

۱۵ مأخذ پیشین/۳.

۱۶ مان (MĀNA) مقیاس اندازه‌گیری وزن و زمان بوده است.

آنها مربوط به اوائل قرن پنجم ه.ق. سبب می‌گردد تا علاوه بر شناساندن میزان کشفیات و باورها و دانستنی‌های هندیان در آن زمان به تکمیل تاریخچه علم نجوم در جهان نیز کمک کند؛ شکی نیست که منجمین هندی در حالی که از داشتن وسائل مدرن جدید محروم بوده‌اند، رصد خانه‌های پیشرفته و دقیقی ساخته بودند که محاسبات نجومی را به نحو مطلوبی انجام می‌داد و اگر چه رصد خانه‌های قدیمی آنان موجود نیست اما بقایای بعضی از آنها که در قرن هجدهم به نام جنترا منترا (Jantra-Mantra) ساخته‌اند، در شهرهای: دهلی، جیپور و اوچین هنوز باقیست که بی‌شک بر اساس سوابق پیشین بنا گردیده بوده‌است؛ ابوریحان پاره‌ای از این مقوله مباحث را تحت عنوانی مانند: اسماء کواکب و بروج، منازل قمر، صورت آسمان و زمین نزد منجمان و هم از دیدگاه دین، استخراج اوساط کواکب، ترتیب کواکب و ابعاد و اعظام آن، کسوف و خسوف خورشید و ماه، نبات‌النخش و بالاخره ذکر اصولی که مدخل احکام نجوم است نزد هندوان، به تفصیل باز نموده‌است.

ابوریحان مسائل مربوط به زمان و باورهای مربوط به هر یک از زمانها را ذیل فصولی جداگانه به تفصیل بیان داشته و از آن جمله است: در ذکر مدت و زمان - در اصناف یوم و نهار و لیل، ماهها و سالها - در آنچه که اجزاء کوچک روز از آن کم می‌شود - مقادیر چهارگانه «مان»<sup>۱۷</sup> - ابعاض ماه و سال - در ذکر «وصل» فصل مشترک میان زمانها - تحلیل سالها و ماهها به روزها و عکس این یعنی ترکیب سالها از روزها - تحلیل سالها به اعمالی جزئی مقسوم به اوقات - در باب زمانها شرعاً و نجومیاً.

مسائل دینی هندوان به طور مشروح در ماللهند آمده که بیانگر نهایت کنجکاوی و استقصای ابوریحان در فرهنگ دینی هندوان تواند بود. از آن جمله است: موضوعهای مربوط به اعتقاد هندوان به خدا باورهای آنان در مورد موجودات عقلی حسی - ارواح -

۱۷ سلوکوس اول ملقب به نیکاتور Nikator (فاتح) سردار اسکندر مقدونی (تولد ۳۲۵ - فوت ۲۸۱ ق.م.) بود و مؤسس سلسله سلوکی در آسیا.

مواضع پاداش از مینو و دوزخ - کیفیت خلوص از دنیا - پیامبران و نسخ شرایع - بت پرستی - کتاب‌های دینی هندوان - رسوم غیر برهمن - قربانی‌ها - حج و زیارات - صدقات - خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های مباح و ممنوع - نکاح - احوال جنین - دعاوی - عقوبات و کفارات، ارث و حقوق میت و حق او در جسد خویش - روزه و انواع و ایام آن اعیاد و شادی‌ها - ایام مسعود و منحوس و غیره.

بیرونی همچنین درباره علوم و دانشهای رایج در هند آن زمان اطلاعات گران‌بهایی به خوانندگان و محققان و پژوهندگان عرضه می‌دارد که از آن نمونه است: نح - شعر - حساب - خطوط - مقاویر و اوزان - کیمیا - افسون - جادو - عزائم و غیره؛ از همین دسته آگهی‌هاست: مسائل مربوط به جغرافیا - شهرها - دریاها - مسافت میان ممالک و مرزها - اجناس خلائق - قطب - کوه میرو - جزایر هفت گانه - نهرها و منشاء و مسیر آنها - جهات دهگانه - جزیره سیلان معروف به قبه الارض و غیره که از جهت علم تاریخ جغرافیا هم بسیار سودمند است.

کتاب تحقیق ماللهند از دیدگاه و ازگانی هندی و اعلام نیز شایان اهمیت خاص است؛ علاوه بر بسیاری از واژگان معمولی هندی و سنسکریت که به این کتاب راه یافته بسیاری واژه‌ها و اصطلاحات علمی هندی و سنسکریت نیز ذیل مباحث متنوع کتاب معرفی گردیده و سپس از راه ترجمه‌های ماللهند مورد پژوهش و بحث و مذاقه پژوهندگان غربی قرار گرفته‌است. تعداد این واژه‌ها و اصطلاحات آن قدر زیاد است که گرد آوری و شرح همه آنها را فرهنگی جداگانه باید.

دانشنامه ابوریحان درباره هند عالمانه است و مستند که نویسنده مطالب را یا دیده و شنیده و یا از منابع معتبری که در اختیارش بوده بهره گرفته و سپس با روشی استدلالی و به سبک تعلیمات ارسطو و افلاطون و جالینوس و بطلمیوس این مشهودات و مسموعات و مطالب تحقیق شده را به خواننده خود منتقل کرده و می‌کند و نحوه بیان نیز چنان است

که نظر اهل تحقیق را به سوی خود می‌کشاند. او از هر گونه اندیشه‌ای خرافی مبراست و با اینکه مردی است مسلمان طاقت و توانایی این را دارد که با فلاسفه هندو آنها را با لطف و مهربانی مناظره کند و مطالب علمی آنها را بپذیرد یاد کند و جالب توجه این است خواننده مالهند ممکن است صفحه‌های زیادی از کتاب ابوریحان را بخواند ولی متوجه نشود که کتاب به دست یک مسلمان نگاشته شده است. او محقق متعهد است که هرگز شخصیت خود را در لابلای بحث‌هایی کتاب دخالت نمی‌دهد. و این در حالی است که اگر در موردی پای هتک حرمتی یا تجاوزی در میان باشد با نهایت جرأت و بی‌باکی از حریم امر «صواب» دفاع می‌کند.

تألیف کتاب مالهند برای مسلمانان یک افتخار است و برای هندوان یک سعادت زیرا یک حقیقت جوی و الا مقام متعهد تصویری درست و واقعی از تمدن اجداد آنها به دست داده است، درست به همان‌گونه که وجود داشته آنها را با بی‌طرفی و تکریمی خاص که برای همیشه به یادگار خواهد ماند.

ناگفته نماند ابوریحان نخستین محقق قدیمی نیست که درباره هند به تحقیق پرداخته است. تا آنجا که اطلاع داریم به سال ۲۹۵ پیش از میلاد مگاستینس نامی (Megasthenes) به عنوان سفیر از سوی سلوکوس اول (۱۷) به دربار پادشاه پتنا فرستاده می‌شود. او تمام حدود شمال هند را سیر می‌کند و به منابع اطلاعاتی سودمندی نیز دست می‌یابد. ولی از گزارش‌های او بیش از چند جزء باقی نمانده است و تحقیقات او نیز ظاهراً از منابع پورانی تهیه گردیده که در شمار منابع اولیه ادبیات هندی نیست. فاهیان Fa-Hian بین سال‌های ۴۱۳، ۳۹۹ میلادی، سونک یون Sung-Yun در سال ۵۰۲ از هند دیدن کرده‌اند. هون تسانگ Hwentsang یکی از روحانیان چینی نیز در بین سال‌های ۶۲۹ تا ۶۴۵ میلادی هند را دیده و کتابی در زمینه هند شناسی تألیف کرده است؛ سفرهای ابوریحان قرن‌ها پس از آنان به هند انجام گرفته و به اندازه

مگاستینس هم کشور هند را ندیده است اما سفر نامه گران سنگ او مالهند هم از جهت کیفیت و هم کمیت به اندازه‌ای محققانه فراهم گردیده که جی بهلر<sup>۱۸</sup> یکی از دانشمندان و محققان بزرگ زبان سنسکریت در دوره معاصر می‌گوید: "نوشته‌ها و یا دانش‌هایی که از یونانی‌ها و زوآر چینی به ما رسیده در مقابل کتاب بیرونی درست همانند کتاب‌های کودکان یا مسودات مردم عامی و خرافی است که به عالمی پر از عجایب افتاده و از مشهورات خود دچار شگفتی و بهت شده و نتوانسته باشند از حقایق و امور واقعی جز مقداری ناچیز درک کنند."<sup>۱۹</sup>

کتاب تحقیق مالهند از دیدگاه اروپائیان از سال ۱۸۳۹ به بعد همواره مورد توجه بوده است؛ در این سال ابتدا مورد توجه مسیورینود<sup>۲۰</sup> قرار گرفته و چهار سال بعد یعنی در آوریل ۱۸۴۳ اس، مومک<sup>۲۱</sup> وعده چاپ آنرا داد مسیورینود در روزنامه آسیایی شماره‌های ۵-۱۸۴۴ مقاله‌های تحت عنوان "رسائل طبع نشده عربی و فارسی راجع به هند"<sup>۲۲</sup> به چاپ رسانید و سپس در سال ۱۸۴۵ مجموعه آنها را همراه با باب‌های ۱۸، ۴۰، ۴۹ کتاب به صورت کتابی جداگانه به چاپ رسانید. همچنین در سال‌های ۶-۱۸۴۵ تألیف دیگری تحت عنوان "یادداشت‌های تاریخی و جغرافیایی و علمی درباره هند"<sup>۲۳</sup> فراهم آورد ابتدا آنرا به صورت خطابه خواند و سپس به سال ۱۸۴۹ آن را چاپ و منتشر کرد.

G. Buhler. ۱۸

۱۹ رک: مقدمه پروفیسور ادوار ساختو معلم دارالفنون همایونی برلین بر کتاب تحقیق مالهند و ترجمه آن در لغت‌نامه دهخدا ذیل ابوریحان.

M. Reinaud ۲۰

S. Mumk ۲۱

Fungents Arabes et Persans in edits relatifs al'Indes ۲۲

Memoire géographique, historique et Scientifique sur L'Inde ۲۳

در آلمان الکساندر فن هُمبولدت<sup>۲۴</sup> در سال ۱۸۴۷ فهرستی از علوم طبیعی به نام COSMOS ترکیب داد و نظر دانشمندان را به کتاب ماللهند معطوف داشت. ژول مُهل<sup>۲۵</sup> در اکتبر ۱۸۶۰ به انجمن آسیایی پیشنهادی کرد که آقایان وِیک<sup>۲۶</sup> و ماک گوکِن دوسلین<sup>۲۷</sup> چاپ و انتشار کتاب ماللهند را به عهده گیرند. دانشمند نخستین تحقیقات خود را به صورت کتابی به نام: "یادداشت‌های مربوط به نشر ارقام هندی"<sup>۲۸</sup> به سال ۱۸۳۶ در پاریس منتشر ساخت اما اجل مهلت ندارد و سال بعد درگذشت و همکارش ماک گوکِن دوسلین کار او را به عهده گرفت او نیز نگران انجام کار بود به پیشنهاد خود او و همچنین آقای ژول مُهل این کار به آقای پروفور ادوار زا خائو عضو هیات علمی دارالفنون برلین و استاد دانشگاه وین (۷۶-۱۸۶۹) واگذار گردید. نسخه‌ها و دست نوشته‌ها نیز در اختیار ایشان قرار گرفت و دولت هند نیز در ۸ آوریل ۱۸۷۶ بودجه چاپ متن عربی را تصویب کرد. و کتاب ماللهند به همت زا خائو به سال ۱۸۸۷ در لندن انتشار یافت و سال بعد، هم او ترجمه آنرا انتشار داد. متن عربی مجدداً به سال ۱۹۲۵ در لیزیک به صورت عکسی به چاپ رسید و سپس در هند چند بار تجدید چاپ گردید به علاوه متن عربی ماللهند وسیله هیأت مصححان هندی دائرةالمعارف عثمانیه حیدرآباد دکن به سال ۱۹۵۸ با نسخه موجود در مجموعه شارل شفر به شماره ۶۰۸۰ موجود در کتابخانه ملی پاریس مقابله گردید و انتشار یافت. همین متن اخیر به سال ۱۳۶۲ ش. وسیله آقای منوچر صدوقی سها به فارسی برگردانیده شد و از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در تهران زیور چاپ یافت.

Alexander Von Humboldt ۲۴

Jules Mohl ۲۵

Weopcke ۲۶

Mac Guckin de Slane ۲۷

Memoire sur La Propagation des chiffres ۲۸

نگارنده بر این باور است که دست یابی به گنجینه‌های معرفت هندیان آنهم در ربع نخستین قرن پنجم هجری که شبه قاره هند لا اقل به اندازه روزگار ما شناخته نبود از کشفیات و فتوحات واقعی تاریخ جهان محسوب می‌گردد؛ چه، محمود غزنوی بزرگترین فاتح هندوستان حدود هفده بار بدانجا لشکر کشید و بر قسمت‌های وسیعی از این کشور پهناور دست یافت اما هرگز نتوانست بر سراسر هند تسلط یابد اما ابوریحان بیرونی به استناد آثار گران سنگ و جاویدانش درباره هند توانست بسیاری خزائن و گنجینه‌های علوم قدیم هند را بگشاید و بر آنها دست یابد و جاویدان سازد. از محمود غزنوی فاتح هند امروز چیزی باقی نمانده ولی شاهکارهای ارزشمند ابوریحان تا جهان خواهد بود تشنگان معارف هند قدیم را سیراب خواهد کرد. کوتاه سخن را باید به این واقعیت اعتراف کرد که دانشمند نامی سرزمین خوارزم بزرگترین مبتکر دانش هند شناسی در جهان بوده است. او با تألیف گنجینه ماندنی خود کتاب ماللهند مهمترین خدمت بی سابقه را در مورد شناساندن هویت فرهنگی هند کهنسال و باستانی انجام داد؛ جایی که در گذرگاه تاریخ جهان سرچشمه بسیاری اندیشه‌های نو و خاستگاه فلسفه و عرفان و دین محسوب می‌گردد و آشنایی با سرزمینی چنین گسترده در زمینه‌هایی همچون جامعه شناسی، دین شناسی، مردم شناسی، تاریخ فلسفه و عقاید، جغرافیای انسانی و دیگر معارف هندی، ضرورتی انکار ناپذیر دارد؛ بی شک تاریخ علم در جهان این خدمت شایسته ابوریحان را به شناساندن فرهنگ و تمدن هند به جهان، هرگز از یاد نخواهد برد.

